شبهه‌شناسی
گفتمان سازی
وپاسخ‌گوئی
روزهای حماسه
دفاع مقدس

ویژه‌نامه
چندرسانه‌ای
ماهنامه‌شبهات

۱۱۸

قطار پیشرفت

شبهه: جمهوری اسلامی باید میان حفظ ایدئولوژی انقلابی و دستیابی به پیشرفت، یکی را انتخاب کند؛ اگر پیشرفت می‌خواهد، باید از ایدئولوژی خود عقب‌نشینی کند.

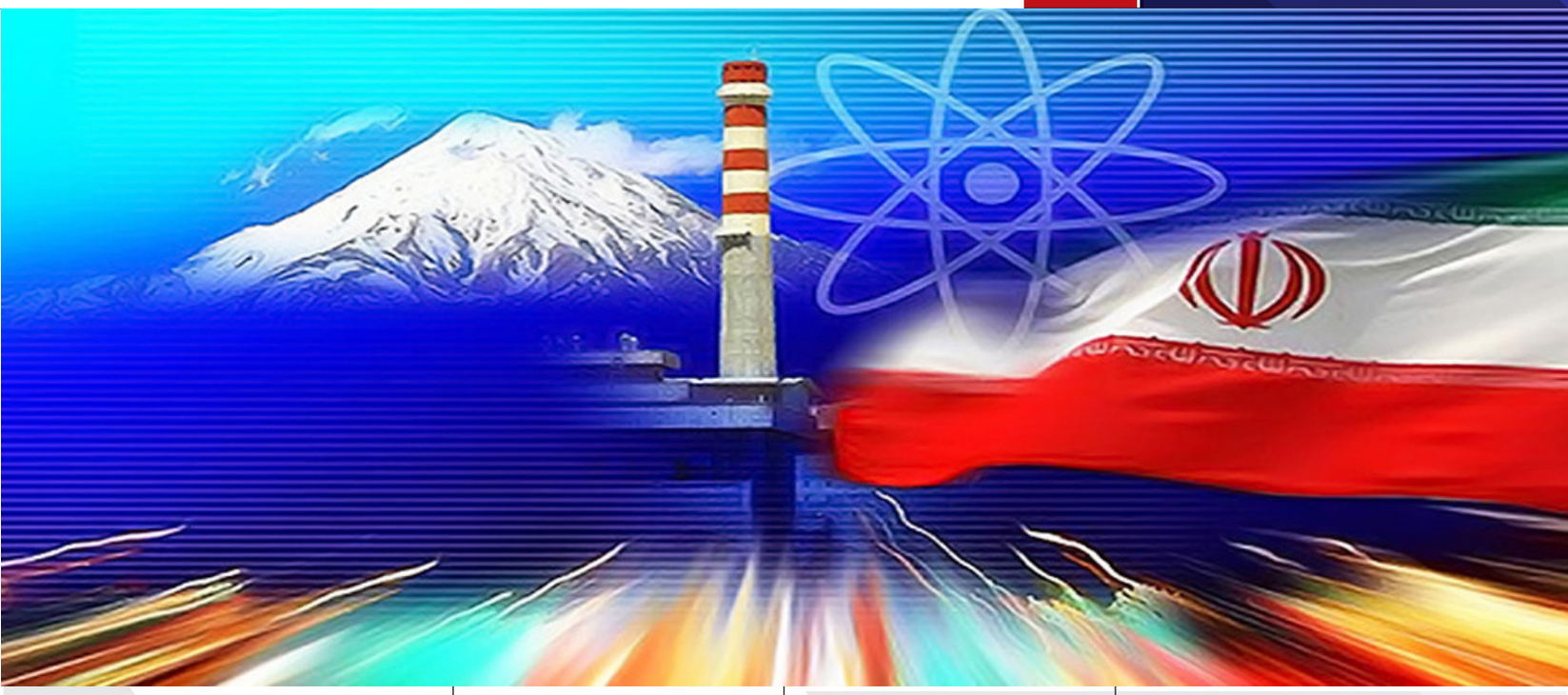

اولاً چرا باید دوگانه حفظ ایدئولوژی و دستیابی به پیشرفت شکل بگیرد و چنین وانمود شود که هویت فکری یک ملت با پیشرفت آن ملت در تعارض است؟ هیچ نظام فکری بدون اصول و مبانی مشخص، نمی‌تواند تصویری از جامعه مطلوب خود ارائه دهد. حتی نظام های لیبرالیستی، با تمام ادعای رهایی از ایدئولوژی، بر مبانی مشخصی چون آزادی فردی، مالکیت خصوصی و حاکمیت قانون استوارند؛ بنابراین، داشتن اصول و آرمان‌های مشخص، نه‌تنها مانع پیشرفت نیست، بلکه می‌تواند جهت حرکت یک جامعه را تعیین کند. وقتی وجود مبانی فکری در دیگر نظام‌ها امری طبیعی و ضروری تلقی می‌شود، چرا در مورد جمهوری اسلامی، پایبندی به اصول انقلاب به‌عنوان مانعی برای پیشرفت معرفی می‌شود؟

در حقیقت، آنچه این دوگانه را شکل می‌دهد، پیش‌فرض دیگری است: اینکه پیشرفت، تعریفی واحد و مسیری از پیش تعیین‌شده دارد و هر ملتی برای رسیدن به آن، باید از الگوی خاصی پیروی کند. در این نگاه، مقصد پیشرفت پیشاپیش مشخص شده و هر جامعه‌ای که از آن فاصله بگیرد، عقب‌مانده تلقی می‌شود؛ گویی تنها یک مسیر برای رسیدن به آینده وجود دارد و آن مسیری است که قدرت‌های مسلط جهانی ترسیم کرده‌اند.

حال آنکه باید پرسید: آیا همه کشورهایی که از الگوها و برنامه های رایج نظام های لیبرالی غربی پیروی کرده‌اند، الزاماً به پیشرفت پایدار رسیده‌اند؟

تجربه کشورهایی مانند آرژانتین نشان می‌دهد که پاسخ این پرسش منفی است. این کشور، با وجود برخورداری از منابع طبیعی فراوان و پیوند گسترده با اقتصاد جهانی، بارها گرفتار بحران‌های اقتصادی و ناپایداری ساختاری شده است. این تجربه نشان می‌دهد که همراهی و پذیرش الگوهای اقتصادی مسلط، به‌خودی‌خود ضامن پیشرفت نیست و نمی‌توان الگوهای رایج غربی را نسخه‌ای نجات بخش برای همه ملت‌ها دانست بدون آنکه ظرفیت‌های بومی و استقلال تصمیم‌گیری آنها را در نظر گرفت.

تجربه جمهوری اسلامی ایران، در دهه‌های پس از انقلاب، نشان می دهد که می توان با وجود جنگ، تحریم و فشارهای خارجی، در حوزه‌های علمی، فناورانه و زیرساختی به دستاوردهایی خیره کننده دست یافت. پیشرفت دانشگاه‌ها، تربیت نیروی متخصص، پیشرفت در فناوری هسته‌ای، نانو، پزشکی، صنایع دفاعی و فضایی، گسترش زیرساخت‌های ارتباطی و افزایش ظرفیت تولید علم، بخشی از این کارنامه است.

البته بیان این دستاوردها به معنای نبود مشکلات اقتصادی، ضعف‌های مدیریتی و کاستی‌های موجود نیست. اما همین تجربه نشان می‌دهد که پایبندی به اصول انقلاب، لزوماً مانع رشد علمی و فناورانه نیست.

نکته مهمتر آن است که پیشرفت را با چه معیاری باید سنجید؟ اگر پیشرفت صرفاً به افزایش ثروت، قدرت اقتصادی و توان نظامی محدود شود، ممکن است هر کشوری که از این شاخص‌ها برخوردار است، توسعه‌یافته تلقی شود؛ حتی اگر سیاست‌های آن به جنگ، مداخله نظامی، تحریم و رنج ملت‌های دیگر منجر شود. چگونه می‌توان از تمدن و پیشرفت سخن گفت، اما جنایات و مداخلات قدرت‌های بزرگ را نادیده گرفت؟ و آیا رشد و پیشرفت، بدون عدالت و کرامت انسانی، چیزی جز افزایش قدرت و ثروت برای صاحبان قدرت است؟

قرآن کریم با لحاظ و در نظر داشت ضرورت حفظ هویت دینی و اسلامی می فرماید :«وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» هرگز یهود و نصارا از تو راضی نخواهند شد، مگر آنکه از آیین آنان پیروی کنی. این آیه، هشداری در برابر وابستگی فکری و سیاسی و یادآوری این حقیقت است که رضایت قدرت‌های بیرونی، نباید معیار حقانیت و مسیر حرکت یک ملت باشد.

بنابراین، خطای اصلی در شبهه مورد بحث آن است که برخی افراد پیشاپیش پذیرفته اند که برای رسیدن به پیشرفت، باید از آرمان‌های انقلاب عبور کرد؛ در حالی که پیشرفت، پیش از آنکه در گرو پذیرش الگوی دیگران باشد، به شناخت ظرفیت‌های خود، اعتماد به توانایی‌های ملی و اراده ساختن آینده نیاز دارد. برای پیشرفت، نه به خودباختگی نیاز است و نه به انکار واقعیت. باید با اتکا به هویت و آرمان‌های خود، دانش و فناوری را به خدمت بگیریم، اقتصاد را بر پایه توانایی‌های ملی بسازیم و در جهان امروز، نه تماشاگر حرکت دیگران، بلکه سازنده مسیر خود باشیم.

قطار پیشرفت، مقصدی از پیش تعیین‌شده به نام غرب ندارد؛ مقصد آن، ایرانی است که بتواند با حفظ هویت و استقلال خود، رفاه، امنیت، عدالت و اقتدار علمی را برای مردمش به ارمغان آورد. ما برای رسیدن به آینده، نیازی به جا گذاشتن شناسنامه‌مان نداریم؛ باید آن‌قدر توانمند شویم که آینده را با هویت خود بسازیم.